

نقد بر کتاب کتب ادبیات فارسی

دوره دبیرستان

رحیم تبریزی کندلجی

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی و دبیر ادبیات دبیرستان‌های بستان آباد

پدیدآورندگان آن و همچنین دوستداران شعر و ادب پارسی تقدیم می‌کند. بدیهی است هر وسیله و ابزار کمک آموزشی، باید از نظر اعتبار علمی و دانشی در سطح بالاتر از مخاطبانش - در این مورد دبیران و دانش‌آموزان - باشد تا آنان این اثر را به عنوان راهنما و گره‌گشای مشکلات خود بپذیرند. نکته مهم دیگر در تولید چنین اثری، پاسخگویی به این سؤال مهم است که: «هدف از تهیه و تولید آن چیست؟» ارائه تلفظ درست واژگان، آشنا کردن مخاطبان با لحن درست کلام، رعایت تکیه‌ها، نشان دادن ظرافت‌ها و زیبایی‌های متون ادبی یا همه این موارد؟ در زیر، قرائت متون بخشی از کتب ادبیات عمومی متوسطه را از منظر صحت و اعتبار و تأمین اهداف مورد نظر محک می‌زنیم و داوری نهایی درباره آن را به خوانندگان می‌سپاریم.

سرانجام بعد از سالیان بسیار و در واپسین سال‌های حضور کتب ادبیات فارسی در چرخه آموزش، کتاب گویای «ادبیات فارسی» و البته چند درس دیگر، از طرف سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به بازار عرضه شد. نگارنده این سطور، که تجربه‌ای در این عرصه دارد، به عنوان ناظر علمی بر تولید ۹ عدد نوار کاست شامل قرائت اشعار کتب ادبیات فارسی دوره راهنمایی و دبیرستان در اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی، ضمن عرض تبریک و آرزوی توفیق برای تمامی دست‌اندرکاران تهیه این اثر و ارج نهادن به تلاش‌های آنان، با این باور که نفس چنین کاری از ضرورت‌های انکارناپذیر فرایند آموزش است، جهت تداوم و ارتقای طرح با معیارهای علمی و هنری، نکاتی را که حاصل تأمل و دقت در این اثر است، به محضر ارجمند

۱. تلفظ واژگان

- گوش پند نیوشان آواز او شُنوده (shanutde) (ادبیات ۱ درس اول) تلفظ درست آن شُونوده (shonude) است. (نیز رک ادبیات ۳، درس ششم)
- ز تن خون و خوی (xoy) را فرو ریختند. (ادبیات ۱ درس سوم) در حالی که تلفظ این واژه بر وزن «می» است. (واژه نامک: ذیل واژه «خوی»)
- جولفتی سربرهنه می‌گذشت (ادبیات ۱، درس هفتم) جولقی، «julaghi» تلفظ شده در حالی که تلفظ آن «jowlaghi» است.
- خرامان (xaraman) بشد سوی آب روان (ادبیات ۱ درس سوم)؛ تلفظ صحیح آن (xoraman) است.
- که به ما سوا (masava) فکندی همه سایه هما را (ادبیات ۲ درس اول)؛ تلفظ صحیح آن ماسوا (maseva) است.
- به دو چشم خون فشانم، هله (hele) این نسیم رحمت (ادبیات ۲ درس اول)؛ تلفظ صحیح آن هله (hale) است.
- به دعای مستمندان (mostamandan) که ز جان ما بگردان، ره آفت قضا را (ادبیات ۲ درس اول)؛ این واژه دو تلفظی است اما می‌دانیم که تلفظ دو هجایی این نوع واژگان، وجهه

هر وسیله و ابزار کمک آموزشی، باید از نظر اعتبار علمی و دانشی در سطح بالاتر از مخاطبانش - در این مورد دبیران و دانش‌آموزان - باشد تا آنان این اثر را به عنوان راهنما و گره‌گشای مشکلات خود بپذیرند. نکته مهم دیگر در تولید چنین اثری، پاسخگویی به این سؤال مهم است که: «هدف از تهیه و تولید آن چیست؟»

ادبی بیشتری دارد و بهتر است در متون ادبی آن‌ها را دو هجایی تلفظ کنیم: (mostmandan).
- لیکن (likan) جز علی (ع) کسی اعلام آمادگی نمی‌کند. (ادبیات ۲، درس سوم)؛ لیکن ممال «لکن» عربی و تلفظ آن (likan) است.
- باز چو کشتی شکست نوبت وصل و لقا (lagha) است. (ادبیات ۲، آواز عشق)؛ لقا مصدر دوم باب مفاعله است و به کسر اول (legha) تلفظ می‌شود.
- به هر جانب که روی آری، دَرَفَش (darafsh) کاویان بینی. (ادبیات ۲، درس سیزدهم)؛ تلفظ درست درفش به کسر اول (derafsh) است.
- صفوت آدمیان و تَتَمَّه (tatamme) دور زمان (ادبیات ۳، درس اول)؛ تلفظ صحیح آن (tatemme) است.
- دامنی پر کرم هدیه (hadiyye) اصحاب را (ادبیات ۳، درس اول)؛ مرحوم محمدمعین ذیل این واژه نوشته است: «این کلمه را فصیحان فارسی به فتح اول و سکون دوم و تخفیف سوم [hadye] آورده‌اند.»
- ای طاق نهم زواق بالا (ravagh) بالا (ادبیات ۳، درس اول)؛ تلفظ صحیح آن (revagh) است.



- واژه «کلیله» (kalile) در «آورده‌اند» صفحه ۲۲ (kelile) تلفظ شده است.

- بانگ و غریو و هَراهَز (hazahaz) برخاست (ادبیات ۳، درس ششم)؛ تلفظ صحیح آن «hazahez» است.

- چیزی را که در او کراهیتی (karahiyyati) نبود... (ادبیات ۳، درس ششم)؛ تلفظ درست این واژه به تخفیف «ی» (karahiyat) است نه به تشدید آن.

- و آنچه دارم از اندک مایه حطام دنیا حلال است و کفایت (kafayat) است... (ادبیات ۳، درس ششم)؛ تلفظ صحیح آن «kefayat» است.

- سرانجام گفت ایمن (iman) از هر دوان (زبان و ادبیات پیش‌دانشگاهی درس پنجم)؛ ایمن ممال امن عربی است و «imen» تلفظ می‌شود.

- این پیر زندیق (zendigh) آمد. (زبان و ادبیات پیش‌دانشگاهی، درس هفتم)؛ تلفظ این واژه «zandigh» است.

۲. خطاهای دستوری و نحوی

- بی‌ادب تنها نه خود را داشت بد/ بلکه آتش در همه آفاق زد (ادبیات ۲، درس اول)

مصراع اول به صورت جمله وابسته و به صورت متصل به مصراع بعدی قرائت شده است. حال آن‌که در پایان مصراع اول درنگ کامل لازم است.

- نوای گرم نی از آتشین نفسی است (ادبیات ۱ درس اول). «ی» در آتشین نفسی به صورت «ی» مصدری قرائت شده است؛ در حالی که «ی» وحدت و نکره است.

به سهراب گفت ای یل شیر گیر / کمند افکن و گرد و شمشیر گیر (ادبیات ۱، درس سوم)؛ «کمند افکن» باید با نقش منادایی قرائت گردد.

- کز رخ نوریخش او نور نثار می‌رسد (ادبیات ۱، شعر حفظ کنیم)؛ «نثار» به صورت مضاف‌الیه (نور نثار) قرائت شده است در حالی که بعد از «نور» درنگ کوتاهی رعایت می‌شود.

- ز قلب سپاه، اندر آشفَت توست (ادبیات ۲، درس دوم)؛ «اندر» به عنوان حرف اضافه دوم برای واژه «قلب» قرائت شده است (ز قلب سپاه اندر، آشفَت توست). حال آن‌که اندر پیشوند فعل است اندر آشفَت.

- همه آرزویم اما، چه کنم که بسته پایم (ادبیات ۲، درس هجدهم)؛ «بسته» به صورت فعل و «پا» با نقش مفعولی قرائت شده است. حال آن‌که «بسته پا» صفتی است در نقش مسند و «م» مخفف فعل «هستم» است بسته پا هستم.

- و امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد. (ادبیات ۳، درس ششم)؛ «از آن جهان آمده» بعد از نقش نمای اضافه و به صورت گروه وصفی برای «امیر» قرائت شده است. به نظر می‌رسد این نوع قرائت با سبک تاریخ بیهقی و متون آن دوره تناسبی نداشته باشد.

قرائت صحیح آن است که بعد از «امیر» درنگ کنیم؛ در این صورت، «آمده» فعل وصفی است. کاربرد فعل وصفی در متون این دوره بسامد نسبتاً زیادی دارد. یک نمونه از این کاربرد در همین درس «کشتی پر شده، نشستن و دریدن گرفت».

- زندگانی خواجه عمید دراز باد (ادبیات ۳، درس ششم)؛ «خواجه» به صورت شاخص قرائت شده است. گویی «عمید» اسم یکی از شخصیت‌های تاریخ بیهقی است. در قرائت صحیح این عبارت، «عمید» صفت است برای «خواجه» خواجه عمید. البته در کتاب درسی «ی» میانجی بعد از «خواجه» نیامده و احتمالاً خطای رسم‌الخطی کتاب دلیل این قرائت بوده است.

- بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را (ادبیات ۳، درس هشتم)؛ «پشت» به سکون آخر و با فک اضافه قرائت شده است. البته این قرائت مسبوق به سابقه است و از زمان تألیف کتاب درسی و تشکیل کلاس‌های توجیهی، از طرف مؤلفان محترم رواج یافته است. ظاهراً این قرائت نوعی توجیه یا سرپوش گذاشتن بر «ایراد قافیه» ای است که شاعر مرتکب شده است.

آیا بهتر نیست جمله را مطابق نقش‌های نحوی آن بخوانیم و ایراد قافیه را هم بپذیریم؟ در این قرائت، ایراد قافیه «غلو» را با تن دادن به ایراد و عیبی بزرگ‌تر پنهان کرده‌اند و آن این است که با وارد کردن یک ساخت نحوی کهن در شعری امروزی، متن را دچار اضطراب سبک‌شناختی و زبان‌شناختی نموده‌اند. - همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فرایسی (زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، درس دوم)؛ «ی» در «بیشی» و «کمی» به صورت «ی» مصدری قرائت شده است. حال آن‌که نشانه نکره و وحدت است.

- که من راست گویم به گفتار خویش (زبان و ادبیات پیش‌دانشگاهی، درس پنجم)؛ «راست» با نقش قیدی قرائت شده است. این قرائت با وجود صحت، با توجیه دستوری و معنایی مصراع تناسب چندانی ندارد. ظاهراً بهتر است «راست‌گو» + «م» بخوانیم.

- دمیدند گفתי، شب آمد به روز (زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، درس پنجم)؛ بعد از «گفתי» درنگ کرده‌اند در نتیجه قید «گفתי» متعلق به فعل «دمیدند» قرائت شده است. حال آن‌که محل درنگ بعد از «دمیدند» است؛ بنابراین، «گفתי» قیدی است متعلق به جمله بعد از خود.

۳. خروج از وزن عروضی

- مگر ای سحاب رحمت تو بباری ار نه دوزخ ... (ادبیات، درس اول)؛ همزة «ارنه» در قرائت ابقا و موجب خروج از وزن شده است. حال آن‌که قرائت صحیح آن با حذف همزه است. - به گرز گران دست برد اشکبوس (ادبیات ۲، درس دوم)؛ قرائت «اشکبوس» با ابقای همزه موجب نادرستی وزن شعر شده است. قرائت صحیح این مصراع با حذف همزة «اشکبوس» است.

۴. عدم رعایت تکیه‌ها و درنگ‌ها

ما را آن ده که آن به (ادبیات ۲، درس اول) در قرائت کتاب گویا، تکیه روی «به» (آخرین واژه عبارت) است. حال آن که در قرائت صحیح این عبارت، تکیه روی واژه «آن» در هر دو جمله است. از او خواست دستوری اما ندید (ادبیات ۲، درس سوم)؛ در قرائت کتاب گویا تکیه روی هجای ما قبل آخر «دستوری» است. در این قرائت معنی مصراع چنین می‌شود: «از او امری / فرمانی خواست اما ندید» در قرائت صحیح، تکیه روی هجای پایانی «دستوری» است.

در لشکرگاه می‌گشت. (ادبیات ۲ آورده‌اند، ص ۲۷)؛ در قرائت کتاب گویا تکیه روی «گاه» است و بعد از «لشکرگاه» درنگ هم رعایت نشده است. در قرائت صحیح بعد از «لشکرگاه» درنگ رعایت می‌شود و تکیه روی هجای اول «می‌گشت» است.

ورنه سزاور خداوندی‌اش (ادبیات ۳، درس اول)؛ در قرائت این عبارت بهتر است بعد از «ورنه» درنگ کنیم و هجای پایانی «ورنه» را با تکیه ادا کنیم. حال آن که هیچ درنگ و تکیه‌ای رعایت نشده است.

این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند (ادبیات ۳، درس اول)؛ بعد از «مدعیان» درنگ لازم است. در حالی که در کتاب گویا بدون رعایت درنگ قرائت شده است.

گفت که شاید بود که فروشنده این جادو بوده است. (ادبیات ۳، آورده‌اند، ص ۲۲)؛ در قرائت کتاب گویا هجای اول واژه «شاید» با تکیه ادا شده است که در این صورت معنای قیدی از آن استنباط می‌شود. حال آنکه در متون کهن، این واژه اغلب کاربرد فعلی دارد و با تکیه هجای پایانی قرائت می‌شود.

در باب عدم رعایت تکیه و درنگ به این موارد بسنده می‌کنم. متأسفانه بسامد این خطا بسیار است.

۵. لحن

بدیهی است که لحن قرائت اشعار حماسی با اشعار غنایی، تعلیمی و... متفاوت است. حتی می‌توان گفت در یک شعر ممکن است ابیات و قسمت‌های مختلف، لحن‌های متفاوتی

را اقتضا کنند. برای نمونه، بیت مطلع و بیت میانی غزلی

از حافظ را می‌آورم تا معلوم گردد که لحن در قرائت یک

شعر و اجزای مختلف آن چه جایگاه و اهمیتی دارد!

شاه شمشاد قدان خسرو شیرین دهان
که به مژگان شکند قلب همه صف‌شکنان...

با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم

که شهیدان که اند این همه خونین کفن‌ان

بیت مطلع با لحنی تند و سرشار از حرکت ادا می‌شود که با

محتوای آن نیز هماهنگ است؛ در حالی که بیت بعدی با لحنی

آرام و سنگین قرائت می‌شود که باز هم با محتوای آن هماهنگی

کامل دارد. این در حالی است که در کتاب گویا بیشتر اشعار

اعم از تعلیمی، حماسی و غنایی - با لحنی یکسان و مشابه

قرائت شده‌اند. شاید مهم‌ترین ایراد وارد بر این اثر، همین باشد.

به عنوان نمونه‌ای از موارد بسیار، بخش نخست «رزم رستم و

اشکیوس» را ملاحظه فرمایید که گوینده زن آن را با لحنی خبری

قرائت کرده است و به هیچ روی، حس حماسی را القا نمی‌کند.

موسیقی متن

از اظهارنظر در این باب خودداری می‌کنم اما انتظار دارم دوستان اهل فضل که در هر دو زمینه ادبیات و موسیقی صاحب دانش و ذوق و تجربه‌اند، «کتاب گویا» را از این منظر در معرض نقد و داوری قرار دهند.

